



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



عزیزی بانک
Azizi Bank

www.azizibank.af
1515

افزایش اتهامها بر شورای عالی صلح

وحید مزده:

طالبان برای تسهیل عملیات انتحاری برخی افراد را خریداری می کنند

صفحه ۳

دولتی ارگانونه دی د بشو خورونی

منع قانون اجرا ته پالېسي جوړه کړي

"د بشو او ماشومانو د خورونې د منع قانون داسې موارد پیشبینی کړي چې هیله ده له پلي کېدو سره یې، بېلابېلې خورونې کمې شي، نننۍ غونډه مو د دې لپاره جوړه کړې چې د مختلفو ارگانونو تر منځ همغږي رامنځته شي او دې قانون د پلي کېدو لپاره عملي پلانونه او ژمنې ولري." د افغانستان په ځینو ښارونو کې د بشو، نجونو او ماشومانو خورول په دې وروستیو کلونو کې په یوې ستونزې او بڼې او اکثره هغه نجونې او ښځې چې ښوونځیو ته ځي او یا په دولتي او خصوصي ادارو کې دندې ترسره کوي، نه شي کولای چې په ډاډه زړه له کوره ووځي

صفحه ۶



د شورای عالی صلح HIGH PEACE COUNCIL

د شورای عالی صلح HIGH PEACE COUNCIL

والصلح خیر

شورای عالی صلح در روزهای پایانی عمرش

صفحه ۲

افغانستان در سایه ترامپ

صفحه ۲

سالانه هفت میلیارد دالر از آدرس مهاجرین به اقتصاد افغانستان کمک می شود

سالانه از آدرس مهاجرین کشور مبلغ ۱۶۶ میلیون دالر که معادل آن ۷ میلیارد افغانی می شود، به اقتصاد کشور کمک می شود که از این مبلغ بر بنیاد ارزیابی بانک جهانی ۳۰۰ میلیون افغانی آن مربوط حواله های پولی است که مهاجرین از کشورهای خارجی به خانواده های شان ارسال می کنند

صفحه ۶



ساحات آبدات تاریخی بدخشان غصب شده است

صفحه ۶



احمد عمران

حضور نمادین پیر سیداحمد گیلانی، یکی از شخصیت‌های مطرح جهادی کشور که سن‌وسالی از او گذشته، در رأس شورای عالی صلح، چیزی جز یک بده‌بستان سیاسی را به ذهن متبادر نمی‌کند. آقای گیلانی از متحدان انتخاباتی رییس‌جمهور غنی بود و برای آن‌که این متحد انتخاباتی به خیل منتقدان او نپیوندد، رییس‌جمهوری او را در رأس شورای عالی صلح قرار داد؛ درحالی‌که آقای غنی می‌دانست که آقای گیلانی به دلیل کبر سن، دیگر توانایی لازم برای مدیریت شورای عالی صلح را ندارد. به همین دلیل و شاید صد دلیل دیگر می‌بینیم که وظایف شورای عالی صلح را نهاد ریاست جمهوری و به ویژه شورای امنیت پیش می‌برند



غنی می‌دانست که آقای گیلانی به دلیل کبر سن، دیگر توانایی لازم برای مدیریت شورای عالی صلح را ندارد. به همین دلیل و شاید صد دلیل دیگر می‌بینیم که وظایف شورای عالی صلح را نهاد ریاست جمهوری و به ویژه شورای امنیت پیش می‌برند.

گفت‌وگوهایی که با حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار صورت گرفت و سرانجام به امضای توافق‌نامه با این حزب انجامید، نقش منفعل شورای عالی صلح را بیش از هر زمان دیگری آشکار کرد. این گفت‌وگوها بیش از آن‌که از طریق شورای عالی صلح صورت بگیرند، به وسیله مشاور شورای امنیت ملی کشور انجام شدند. اگر شورای عالی صلح نهاد موثری در گفت‌وگوهای صلح می‌بود، بدون شک باید نقش بسیار فعالی در گفت‌وگو با حزب اسلامی می‌داشت.

ریاست جمهوری و شورای امنیت از شورای عالی صلح به عنوان ابزار استفاده بردند، در حالی که خودشان در پشت پرده هدف‌های خود را دنبال می‌کردند. در طول یک دهه که از ایجاد شورای صلح می‌گذرد، حتی نمی‌توان یک مورد را نیز به عنوان دستاورد این شورا نشان داد. به جز مصارف گزاف و گاه حیرت‌آوری که از سوی مسوولان رده‌بالای آن صورت می‌گیرد. آیا بازم باید این شورا به کارش ادامه دهد؟!

بدون شک که پاسخ به این سوال منفی است. وقتی شورای عالی صلح از خود برنامه و استقلالی ندارد و وظایفش را نهادهای دیگری انجام می‌دهند، چه ضرورت دارد که همچنان به عنوان نهاد به اصطلاح رهبری‌کننده صلح وجود داشته باشد؟

به نظر می‌رسد که شورای عالی صلح با سخنان اخیر مشاور خود، نشان داد که به روزهای پایانی زنده‌گی‌اش نزدیک شده و اگر رییس جمهوری می‌خواهد که بیشتر از این تشنه رسوایی شورای عالی صلح از بام نیفتد، باید به این خواست اعضای سنای کشور پاسخ مثبت دهد و پایان کار شورای عالی صلح را رسماً اعلام کند.

شورای عالی صلح از زمان آغاز به کار خود تا به امروز، همواره با انتقادهای زیادی روبه‌رو بوده و یکی از مهم‌ترین انتقادات به آدرس این شورا، عدم موثریت آن در روند صلح بوده است. وقتی یک نهاد توانایی انجام اموری را که مربوط به آن است، نداشته باشد؛ آن‌گاه منطقی به نظر می‌رسد که دلیل ادامه کار آن، با آن مصرف سرسام‌آور و غیرقابل توجیه پرسیده شود.

این‌که شورای عالی صلح هرگز به هدف تأمین صلح تأسیس نشده، از همان اوایل به وجود آمدن آن، مشخص بود. وقتی حامد کرزی رییس جمهوری پیشین افغانستان دستور به تشکیل نهاد شورای عالی صلح داد، به جای این‌که بخواهد از این طریق صلح و امنیت به افغانستان بیاورد، هدف‌های دیگری را دنبال می‌کرد. آقای کرزی وقتی شورای عالی صلح را به وجود آورد که در تقابل لفظی با پاکستان قرار گرفت. آقای کرزی تلاش کرد که از طریق تأسیس یک شورای فرمایشی، به هم‌تایان پاکستانی خود این پیام را منتقل کند که روند صلح از مسیر آن کشور نمی‌گذرد و دولت افغانستان توانایی آغاز گفت‌وگوها با مخالفان خود را از طریق یک نهاد مستقل و بی‌طرف دارد.

آقای کرزی با وجود این‌که شورای عالی صلح را تأسیس کرد، ولی خود بهتر از هر کس دیگری در کشور متوجه بود که کار شورای عالی صلح به هیچ صورت نتیجه‌بخش نخواهد بود. بعداً نیز که شورای عالی صلح به عنوان میراث دولت آقای کرزی به دولت وحدت ملی تعلق گرفت، دولت‌مردان تازه یک بار دیگر تلاش کردند که با ایجاد تغییراتی در ساختار این نهاد، آن را بر اساس خواسته‌ها و اهداف خود عیار سازند. حضور نمادین پیر سیداحمد گیلانی، یکی از شخصیت‌های مطرح جهادی کشور که سن و سالی از او گذشته، در رأس شورای عالی صلح، چیزی جز یک بده‌بستان سیاسی را به ذهن متبادر نمی‌کند. آقای گیلانی از متحدان انتخاباتی رییس‌جمهور غنی بود و برای آن‌که این متحد انتخاباتی به خیل منتقدان او نپیوندد، رییس جمهوری او را در رأس شورای عالی صلح قرار داد. در حالی که آقای

شورای عالی صلح در روزهای پایانی عمرش

این روزها باز سخن بر سر ادامه و یا عدم ادامه کار شورای عالی صلح است. برخی اعضای سنای کشور پس از سخنان جنجال‌برانگیز مشاور این شورا، از رییس جمهوری خواسته‌اند که به کار شورای عالی صلح در کشور پایان دهد. به گفته این تعداد از اعضای سنای کشور، شورای صلح نه‌تنها تا امروز دستاورد ملموس و قابل توجهی در عرصه تأمین صلح نداشته، بل بیشتر باعث تخریب اذهان عمومی و ایجاد سوء تفاهم در جامعه شده است. مصارف مالی این شورا نیز همواره جای اما و اگر داشته است؛ چیزی که از چشم اعضای سنای کشور نیز پوشیده نمانده و یکی از خواست‌های اساسی آن‌ها از رییس جمهوری این است که پول‌هایی را که شورای صلح به مصرف می‌رساند، به نیروهای امنیتی کشور اختصاص دهد.

سخن‌ماندگار

افغانستان در سایه ترامپ

کمتر از سه روز دیگر به تحویل قدرت سیاسی به دونالد ترامپ رییس‌جمهور جدید ایالات متحده آمریکا باقی مانده و جهان هنوز در حال اندیشیدن به تبعات قدرت‌گیری و زمام‌داری این شخصیت جنجالی و تقریباً مجهول به‌سر می‌برد. اما در این میان، افغانستان یکی از وابسته‌ترین کشورها به گردش و چینش سیاست در ایالات متحده است. این میزان وابستگی را به‌وضوح می‌توان در مقدار هنگفت کمک‌های این کشور به افغانستان و تأمین اساسی‌ترین مصارف نهادهای دولتی مان درک کنیم. پس بخش بسیار بزرگی از آن‌چه که پس از ۲۰ جنوری در افغانستان اتفاق می‌افتد، ارتباط مستقیم با خیالات و تصمیم‌های ترامپ برای افغانستان و جهان دارد.

شاید برخی‌ها گمان کنند که آقای ترامپ، خود را در جریان کارزارهای انتخاباتی و رقابت با هیلاری کلinton به اندازه کافی شناسانده و از خلال اظهاراتش، می‌توان سیاست و تصمیم‌های مهم ایالات متحده درباره منطقه و افغانستان را تشخیص کرد. یعنی او همواره از جنگ با تروریسم در خاورمیانه و جغرافیای اسلامی به پول و هزینه آمریکا بی‌زاری جسته و گفته است که باید هزینه این جنگ را خود اعراب و مسلمانان بپردازند. او به هر اندازه که درباره اوضاع سوریه و عراق و ایران به حرارت سخن گفته، در قبال افغانستان با سکوت و یا بی‌اعتنایی برخورد نموده است. اما باید دانست که ژست‌ها و حرف‌های صورت‌گرفته در کارزارهای انتخاباتی، هرگز ملاک و معیار خوبی برای تشخیص کنش‌های آینده نامزدان به‌قدرت‌رسیده نیستند. زیرا پس از رسیدن به قدرت، آن‌هم در سیستم غول‌آسای ایالات متحده، متغیرهای زیادی برای عدول رهبران از سیاست‌های اعلامی و شعاری‌شان نقش بازی می‌کنند و ترامپ نیز از این قاعده نمی‌تواند مستثنا باشد. چنان‌که او چند روز پیش، با عطف توجه به اوضاع افغانستان، ضمن انتقادهای تند از کارکردهای آقای اوباما، از اوضاع تهدیدزا و رو به بحران افغانستان در جدال با طالبان، اظهار ناراحتی کرد. او هرچند مداخله نیروهای آمریکایی در افغانستان در سال ۲۰۰۳ میلادی را یک «اشتباه جدی» خواند؛ اما با اظهار نگرانی و نارضایتی از اوضاع منطقه و جنگ با تروریسم، نشان داد که هرگز نمی‌تواند نسبت به کشور ما بی‌اعتنا باشد؛ به‌ویژه آن‌جا که او می‌گوید "در افغانستان چه خبر است؟"، این اجبار و ناچار از حضور و مداخله را به نمایش می‌گذارد.

مسئله ترامپ تنها رییس‌جمهور آمریکا و بازیگری در سطح این کشور نخواهد بود؛ زیرا رؤسای جمهور در کشوری به اقتدار و عظمت ایالات متحده، در واقع رهبران جهان و گرداننده‌گان سیاست بین‌الملل به شمار می‌آیند. اکنون که آقای ترامپ در آستانه تحویل قدرت قرار گرفته، خوب است که رهبران دولت وحدت ملی در راستای نیازها و اولویات کشور، وارد تعاملی مدبرانه و نیکو با این مرد تازه‌به‌قدرت رسیده شوند. یقیناً بزرگ‌ترین اولویت افغانستان، مهار تروریسم طالبانی و تطبیق امنیت است و در این مسیر، پاکستان بزرگ‌ترین مانع به‌شمار می‌آید. دولت وحدت ملی می‌تواند قبل از این‌که ترامپ نیز مانند سایر رؤسای جمهور در ایالات متحده، در چنبره نگاه‌ها و مکاره‌گی‌های پاکستان نسبت به افغانستان قرار گیرد، پاکستان را دور زده و در حد امکان، خطوط سیاست خارجی این ابرقدرت جهانی در قبال افغانستان را در موازات منافع کلان خویش سمت‌وسو دهد. این کار یقیناً ساده و آسان نیست، اما در سایه تدبیر ممکن و محتمل است؛ چنان‌که پاکستان تا کنون توانسته این کار را انجام دهد. در پهلوی این، برای ایالات متحده و رییس‌جمهور جدید نیز به‌صرفه است که به افغانستان و بازی‌های جاری در آن، از عینک سیاست‌مداران افغانستانی تماشاً کنند و یا لاقبل به این کشور، نگاهی مستقلانه و فارغ از علایق استیلاگرانه پاکستان داشته باشند؛ زیرا دست‌کم دو دهه گذشته نشان داده که پاکستان جعل‌کارترین متحد برای آمریکا در منطقه است؛ کشوری که کمک‌های نجومی این غول جهانی را دریافت می‌کند اما به‌جز تعقیب اهداف خویش، هیچ پایبندی‌یی به اصول همکاری‌های منطقه‌یی و جهانی ندارد. اکنون که هم سیاست پاکستان‌دوستی آقای غنی به ناکامی انجامیده و هم ترامپ از اتحاد با پاکستان اظهار نارضایتی می‌کند، بهترین فرصت برای جانب آمریکا و دولت افغانستان برای شکافتن سقف روابط گذشته و ریختن طرحی نو در امتداد ثبات در افغانستان و منطقه و جهان فراهم آمده است.

افزایش اتهام‌ها بر شورای عالی صلح

وحید مژده:

طالبان برای تسهیل عملیات انتحاری برخی افراد را خریداری می‌کنند

معترضان در فراه:

آصف ننگ باید بر کنار شود



صدها تن از مردم ولایت فراه در تظاهراتی همراه با اعتصاب کاری، خواهان برکناری آصف ننگ از مقام این ولایت شدند. معترضان در صحبت‌های خود آقای ننگ را متهم به دروغ‌گویی و عوام‌فریبی در بخش‌های تأمین امنیت، ایجاد اشتغال و سازنده‌گی‌ها کرده و گفته‌اند که بقای او در مقام ولایت فراه سبب نابودی این ولایت خواهد شد.

شاه محمود نعیمی، عضو شورای ولایتی فراه بیان کرد: این تظاهرات پس از آن صورت گرفت که اداره محلی فراه در ماه‌های اخیر گوش شنوایی به نارضایتی‌های مردم نداشته است.

به گفته او، نامی‌ها به درب خانه‌های مردم فراه رسیده، اما دولت محلی کم‌ترین توجهی را هم به این مشکلات ندارد. آقای نعیمی تأکید می‌کند که محمدآصف ننگ در گزارش‌های خود به مقامات حکومتی همواره این ولایت را آرام و سرشار از سازنده‌گی معرفی کرده، ولی مردم در بدترین وضع ممکن به سر می‌برند.

این عضو شورای ولایتی فراه هم‌چنان بیان کرد که خیمه‌های اعتراضی مردم در مقابل ساختمان ولایت فراه به راه انداخته شده و تعداد زیادی از دکان‌های بازار مرکزی هم بسته شده است.

در سویی دیگر، بریالی غفاری، مسوول شبکه‌های ملی و ولایتی فراه می‌گوید: این اعتراض، صدای مردم فراه بر علیه بی‌عدالتی و بی‌توجهی‌های والی فراه می‌باشد. او می‌گوید که مردم فراه دیگر این والی را نمی‌خواهند و از حکومت مرکزی خواهان برکناری فوری او هستند.

آنان هم‌چنان از نیروهای امنیتی به خاطر "قربانی‌دادن و شهامت در میدان‌های نبرد" به نیکی یاد کرده و اعلان حمایت

همه‌جانبه از این نیروها داشته‌اند. با این‌همه، مسوول بخش رسانه‌های اداره ولایت فراه اعتراض دیرروز شهروندان فراه را غیرقانونی خوانده و در خبرنامه‌ی نوشته است: "برخی از اشخاص نامعلوم و از آدرس نامعلوم در شهر فراه وحشت و هرج‌ومرج دست به مظاهر زدند. در ادامه خبرنامه مقام ولایت فراه گفته شده: در میان مظاهره‌کننده‌گان تفنگ‌داران غیرمسول، شماری از اطفال هم شامل

استند و از سوی هم، در این تظاهرات، نماینده‌گان جامعه مدنی و احزاب سیاسی به‌طور کلی دیده نشده است. این صحبت مسوولان اداره ولایت فراه خشم بیشتر معترضان را در پی داشت. شاه محمود نعیمی، نماینده شورای ولایتی می‌گوید که در این اعتراض مردم فراه با هم به صورت یکنواخت همصدا بوده و قصد اخلاص و ناامنی را نداشته‌اند. از جانبی هم بریالی غفاری، مسوول شبکه‌های ملی و ولایتی فراه با ارسال مکتوبی با امضا و مهر نهادهای مختلف مبنی بر راه‌اندازی این اعتراض به گفته‌های مسوول رسانه‌های اداره ولایت فراه واکنش نشان داده است.

این مکتوب سه روز قبل به نهادهای امنیتی از جمله امنیت ملی و فرماندهی پولیس ولایت فراه ارسال شده بود. این اولین تظاهرات بزرگ مردم فراه در برابر والی این ولایت است. پیش از این، اتهاماتی از جمله دست‌داشتن آقای ننگ در فساد اداری از جانب برخی از اعضای شورای ولایتی وارد شده بود.

هرچند او این صحبت‌ها را بی‌اساس خوانده بود و ناشی از اختلاف‌های شماری از اعضای شورای ولایتی با برنامه‌های اداری خود.



این درحالی است که چندی پیش نیز افراد داعش بیش از شصت خانه مسکونی را در این ولسوالی به آتش کشیده بودند. براساس یک خبر دیگر، مقامات محلی ولایت زابل از افزایش حضور تروریست‌های خارجی در این استان ابراز نگرانی کردند.

به گفته مقامات محلی زابل، حضور تروریست‌های وابسته به «لشکر جنگوی» که بیشتر اعضای آن اتباع ازبکستان و تاجیکستان هستند در ولسوالی‌های «حاک افغان» و «دایچوپان» زابل افزایش یافته است.

مناطق گسترش خواهند داد.

انتقال می‌دهند. او گفت: احتمال دارد اعضای شورای عالی صلح در انتقال افراد انتحاری دخیل باشند؛ اما افراد و مقامات بلند رتبه دولتی نیز در این عرصه دخیل هستند.

آقای مژده از کسانی که تنها ادعاها را مطرح می‌کنند خواست تا در این مورد با جزئیات بیشتر به افشا چهره افراد پردازند در غیر صورت کتمان از حقیقت خدمتی است برای دشمنان کشور.

هم‌چنان، برخی از اعضای کمیسیون دفاعی مجلس نماینده‌گان شورای عالی صلح را نهاد بی‌اعتماد دانسته می‌گویند که از آغاز تأسیس تا هنوز این شورا با مصرف هزینه هنگفت دستاوردی نداشته است.

علی اکبر قاسمی عضو کمیسیون دفاعی مجلس نماینده‌گان، هرچند حضور فرزندان برخی از اعضای شورای عالی صلح را به عنوان فرماندهان ارشد گروه طالبان رد و تایید نمی‌کند؛ اما دست برخی از مقامات بلند پایه حکومتی را در انتقال افراد انتحاری تا ساحات مهم کابل دخیل می‌داند.

آقای قاسمی می‌افزاید: اگر دست مقامات حکومتی و برخی چهره‌ها در انتقال افراد انتحاری دخیل نباشد توان رسیدن بر مکان‌های مهم را ندارند.

به گفته این عضو کمیسیون دفاعی مجلس نماینده‌گان، با آن‌که هزینه هنگفتی مالی صرف شورای عالی صلح می‌شود؛ اما این شورا هیچ دستاوردی در طول زمانی که ایجاد شده نداشته است.

این در حالی است که پیش از این شیرمحمد آخندزاده عضو مجلس سنا ادعا کرده بود که برخی از اعضای شورای عالی صلح حامی گروه طالبان هستند.

او گفته بود که فرزندان برخی از اعضای شورای عالی صلح فرماندهان ارشد طالبان در هلمند هستند. این عضو مجلس سنا ابراز نگرانی کرده که افراد انتحاری توسط موترها این چهره‌ها به اهداف مشخص در کابل انتقال می‌یابد.

او گفته که برای اثبات این موضوع اسناد و مدارک موثق در اختیار دارد. اما، امین‌الدین مظفری سخنگوی شورا عالی صلح گفته است که اعضای شورای عالی صلح توسط رییس جمهور غنی انتصاب شده و ادعاهای که در برابر این افراد صورت می‌گیرد به اسناد و شواهد معتبر نیاز دارد. پیش از این حکیم مجاهد عضو شورای عالی صلح به دلیل حمایت از طالبان برکنار شده است.

طالبان پول می‌داد و برنامه این بود که با دادن پول و برخی امتیازات می‌خواستند، فرماندهان طالبان را متمایل به پروسه صلح کند.

او گفت: این موضوع به حدی بود که برخی از فرماندهان طالبان در پاکستان پول دار می‌شدند و از این طریق فرزندانشان در پاکستان به مدرسه‌های مدرن می‌رفتند و منازل با قیمت بلند به کرایه می‌گرفتند.

آقای مژده هرچند حضور برخی از بسته‌گان اعضای شورای عالی صلح و مقامات دولتی را در صفوف طالبان رد نمی‌کند؛ اما می‌گوید: برخی افراد مهم طالبان از قبیل

شورا عالی صلح تا هنوز یک نهاد قابل اعتماد برای مردم افغانستان نبوده است. برخی از آگاهان و اعضای کمیسیون دفاعی مجلس نماینده‌گان با بیان این مطلب به روزنامه ماندگار می‌گویند که شورای عالی صلح یک نهاد غیر قابل اعتماد است.

آنان باور دارند که شورای عالی صلح با هزینه هنگفتی که صرف می‌کند دستاوردی برای مردم و دولت نداشته است.

این درحالی است که یک عضو مجلس سنا که هم‌زمان عضو شورای عالی صلح نیز است، ادعا کرده که برخی از اعضای شورای عالی صلح حامیان طالبان هستند.



اچکزی و فرماندهی عمومی طالبان در حال حاضر به دست افراد از قبیل نوری است؛ اما شمار زیاد از این قبیله‌ها در سمت‌های دولتی قرار دارند و این روابط در اجتماع لویه قندهار یک امر معمول است.

آقای مژده رسیده افراد انتحاری را تا نزدیک‌ترین و مشخص‌ترین مکان پرسش برانگیز می‌داند؛ اما می‌گوید در رسیدن افراد انتحاری تا نزدیک‌ترین و امن‌ترین مکان‌ها تنها دست اعضای شورای عالی صلح دخیل نبوده بلکه دست‌های دیگر نیز در این امر همکاری می‌کنند.

این آگاه مسایل سیاسی باور دارد که طالبان برخی افراد را خریداری می‌کنند و توسط آن‌ها مواد منفجره خود را تا هدف مشخص

و فرزندان فرماندهان ارشد طالبان در هلمند می‌باشد.

وحید مژده آگاه مسایل سیاسی در مصاحبه با روزنامه ماندگار می‌گوید: شورای عالی صلح از آغاز تأسیس تا هنوز یک نهاد غیر قابل اعتماد برای مردم بوده است.

آقای مژده افزود: در مورد آنچه که از طرف یک عضو شورای عالی صلح و مجلس سنا صورت گرفته باید وضاحت بیشتر داده شود و چهره افرادی که فرزندانشان فرماندهان طالبان هستند و خودشان در شورای عالی صلح حضور دارند، افشا شود.

آقای مژده باور دارد که دولت از چنین مسأله‌ی بی‌خبر است؛ در گذشته در سال (۲۰۰۹) دولت برای برخی از فرماندهان

گزارش کاری یک ساله مجلس سنا ارایه شد

از سوی مجلس سنا تایید شده‌اند. از سوی هم، مجلس سنا در نشست عمومی دیروز سه‌شنبه (۲۸ جدی) خود توافق‌نامه دریافت قرضه از ایتالیا برای ساخت دهلیز شرق و غرب سرک حلقه‌یی از هرات تا ولسوالی چشت شریف را تایید کرد.

براساس این توافق‌نامه، دولت ایتالیا حدود ۴.۵ میلیارد دلار را برای ساخت دهلیز شرق و غرب از شهر هرات تا ولسوالی چشت شریف این ولایت به دولت افغانستان قرضه می‌دهد.

مسافت این دهلیز که به طول ۱۵۵ کیلومتر می‌رسد. این سرک، دهلیز غربی سرک گردندیوال است که قرار است هرات را به کابل از مناطق مرکزی وصل کند.

بر بنیاد این توافق‌نامه، قرضه که از دولت ایتالیا گرفته می‌شود، در مدت ۴۰ سال آینده بدون سود اضافی دوباره به دولت ایتالیا پرداخت خواهد شد.



حمایت از مستهلکین، از قوانین مهمی است که در یک سال گذشته کاری از سوی مجلس سنا تایید شده‌اند.

موافقت‌نامه همکاری‌های سازمان کشورهای اسلامی، موافقت‌نامه مبارزه با تروریسم سازمان شانگهای، موافقت‌نامه سازمان سارک و موافقت‌نامه همکاری‌های ترانزیتی بندر چابهار از مهم‌ترین موافقت‌نامه‌هایی هستند که

مجلس سنا در آستانه فرارسیدن رخصتی‌های زمستانی، گزارش کاری یک ساله خود را ارایه کرد.

براساس این گزارش، مجلس سنا در یک سال گذشته کاری، ۷۵ نشست عمومی و ۸۷۳ نشست در کمیسیون‌های خود برگزار کرده است.

این مجلس هم‌چنان در این مدت ۶۴۱ جلسه استجوابیه در تالار عمومی و کمیسیون‌هایش برگزار کرده و نیز به ۲۷۸ شکایت شهروندان کشور در زمینه‌های مختلف رسیده‌گی کرده است.

بر بنیاد این گزارش، مجلس سنا ۴۱ عنوان قوانین و ۳۲ عنوان موافقت‌نامه‌های بین‌المللی را نیز مورد تایید قرار داده است.

قانون مبارزه علیه جرایم امنیت داخلی و تروریستی، فرمان تقنینی انتخاباتی، تعدیل قانون کار، قانون تحصیلات عالی نظامی، قانون منع آزار و اذیت زنان و کودکان و قانون

از بنیادگرایی تا ترویج اسلام

عبدالممنان دهرزاد

بخش چهارم

از سوی دیگر، در جهان اسلام شتابزده‌گی شماری از رهبران نسبت به مدرنیته چنان بود که آن‌ها می‌خواستند راهی یک‌صدساله که در غرب طی شده بود را در یک چشم‌زدن طی کنند و برای رسیدن به این آرمان از دیکتاتوری، استبداد و حمله استفاده کردند. به عنوان مثال، مصطفی کمال اتاترک، سکولاریسم مدرن را در ترکیه ایجاد کرد. بعداً تمام مدارس دینی را تعطیل نمود و تمام دستگاه‌های دینی را لغو و غیرقانونی اعلان کرد. او همچنان تمام مردان و زنان را مجبور به پوشیدن لباس‌های غربی نمود. در ایران، رضاشاه پهلوی سربازان را در خیابان‌ها پیاده کرد تا با سرنیزه‌شان حجاب زنان را بردارند و آن را در برابر چشم‌های‌شان تکه‌پاره کنند. به عنوان نمونه در سال ۱۹۳۵ رضاشاه سربازان خود را دستور داد که به تظاهرکنندگان غیرمسلم در مشهد که به صورت مسالمت‌آمیز در برابر الزامی کردن لباس غربی اعتراض نموده بودند، شلیک کنند و صدتن ایرانی را در آن روز به قتل رساند (پاکتچی ۲۹۰). در افغانستان هم عین این شتابزده‌گی را ما در زمان شاه امان‌الله به تجربه گرفته‌ایم؛ شاه می‌خواست راه چندصدساله‌یی را که با هزار زحمت و تلاش و رنج اروپایی‌ها طی کرده بودند، در یک چشم‌زدن طی کند که با مخالفت مردم این سرزمین مواجه شد و شکست خورد. در مصر هم در زمان جمال عبدالناصر این راه طی شد و مخالفت‌های بسیاری را در برابر برنامه‌های خویش به‌وجود آورد. در چنین شرایط بود که سکولاریسم در این سرزمین‌ها نه به عنوان آزادی و تمدن، بل به‌عنوان شرارت مهلک، دشمنی با ایمان، دین و دین‌ورزی مسلمان‌ها تجربه شد. کارکرد افراط‌گرایی جمال عبدالناصر در مصر و زندانی کردن و شکنجه نمودن هزاران نفر از اعضای جنبش اخوان‌المسلمین به‌خاطر اعلامیه‌هایی که به نشر می‌سپردند، جریان اخوان‌المسلمین را از جاده اعتدال‌گرایی منحرف کرد. این برخورد حکومت مصر، سیدقطب تیوری‌پرداز این جریان را به عنوان یک مسلمان میانه‌رو، بعد از دیدن این شکنجه‌ها واداشت که مسلمانان را به تهدید ایمان و دین هشدار دهد و مبارزه در برابر این نوع دولت‌ها را شعار پیروان خود قرار دهد و حتا ایشان در کتاب «نشانه‌های راه»، پا را از این هم فراتر نهاد و تمام جهان اسلام را بدتر از جاهلیت نامید و آنانی را که به این وضعیت تن می‌دهند، کافر قلمداد کرد.

این برخوردهای زمام‌داران کشورهای اسلامی در برابر شهروندان دین‌دارشان، خشم مسلمانان را

برانگیخت و کارکرد آنان شبیه حکومت‌های مدرن جهان غرب تلقی شد. از سوی دیگر، تهاجم و مداخله غرب در خاورمیانه بسیاری از مسلمانان را متقاعد کرد که غرب واقعاً جنگ صلیبی را علیه مسلمانان و جهان اسلام آغاز نموده است. عضویت هزاران انسان مسلمان در سازمان القاعده، داعش، الشباب و... بعد از جنگ خلیج فارس و تحولات پسین در خاورمیانه، بهترین نمونه آن است.

بنیادگرایی اسلامی عمل‌گرا، امروز خطرناک‌ترین دشمن ارزش‌هایی چون آزادی، حقوق بشر، حقوق زن، مردم‌سالاری به‌شمار می‌رود که موجب نگرانی ملل مسلمان و غیرمسلمان شده است. همیشه شکاف عمیقی بین حرف و عمل بنیادگرایان وجود دارد؛ آن‌ها قادر به مهار خود نیستند و خواستار بهترین شرایط ممکن‌اند تا تصور خویش را حفظ کنند. آن‌ها اعمال و خدمات انسان‌دوستانه غیرمسلمانان را رد می‌کنند و غیر هم‌فکران و هم‌نظران خویش را حتا در میان مسلمین مطرود می‌دانند و هر فردی که با درک آن‌ها از اسلام موافق نباشد را واجب‌القتل می‌شمارند. این همه خونی که در کشورهای اسلامی ریخته می‌شود، محصول جزم‌اندیشی و تندروی همین گروه‌هاست.

تبلیغات رسانه‌های غربی رفته‌رفته گفتمان بنیادگرایی را به جهان اسلام کشاند تا جایی که امروز اگر اسمی از بنیادگرایی برده شود، تمام توجه‌ها به سوی مسلمانان دوخته می‌شود. از سوی بنیادگرایان پروای بدنامی اسلام و مسلمان‌ها را ندارند، زیرا برای آن‌ها اسلام بیش از این‌که معرف «حقیقت» باشد، معرف «هویت» است. آن‌ها بیش از این‌که نیم‌نگاهی به باطن و ماهیت دین بیفکنند، به ظاهر و صورت دین چسبیده‌اند و از این عینک به جهان مدرن نگاه می‌کنند.

جهان مدرن و بنیادگرایی یکی از مولفه‌های بسیار مهم و ارزنده‌یی که جهان مدرن در ذیل آن تعریف می‌شود، نوگرایی و مدرنیزاسیون است. نوسازی از روزگاری که قدم به جهان امروز گذاشت، امیدواری‌هایی را برانگیخت که گویا دیگر بساط جزم‌اندیشی و تک‌منبعی بودن معرفت بشری برچیده شده است. سروصورت نوسازی در دو حوزه نمایان شد؛ یکی در حوزه نظری یا ذهنی، دیگر در حوزه عملی یا عینی. نوسازی در حوزه ذهنی، همان چیزی است که در ظاهر جهان پدیدار شده است، که نمونه‌های آن را می‌شود در هنر، تکنالوژی، برق، اسفالت جاده‌ها، کمپیوتر، انترنت، دانشگاه‌ها، تخصصی شدن زنده‌گی بشر، بیمارستان‌های مجهز،

بم‌های اتم و ... جست‌وجو کرد. این‌ها معرف جهان مدرن‌اند، که نیاز به این ندارد که کسی پیرامون آن‌ها تأمل و اندیشه کند. به قول دکتر سروش، به مجرد آن‌که انسان چشم به جهان بگشاید، متوجه این نوسازی ظاهری در جهان می‌شود. اما یک نوسازی دیگر هم ما در جهان سراغ داریم که مقدم بر این نوسازی است، اگر آن نوسازی وجود نمی‌داشت، امروز چیزی به‌نام نوسازی در ظاهر جهان دیده نمی‌شد که آن را نوسازی نظری و فکری می‌دانند (سروش ۱۳۸۷: ۳۵۰).

این نوسازی در قالب‌های عقلانیت مدرن، انسان‌گرایی، کثرت‌گرایی، آزادی، مردم‌سالاری، سکولاریزم و... تعریف می‌شود. ممکن نبود که ما بدون شکل‌گیری نوگرایی فکری، می‌توانستیم که به نوسازی ظاهری دست یابیم. این تغییرات و تحولات که در جهان پدید آمد، روز به روز مرزها را درنوردید، تا جایی که کمتر انسانی را می‌توان دریافت که دوست نداشته باشد که از این دستاوردهای سترگ و ارزشمند بشری استفاده ننماید. این تحولات و تغییرات ذهنی و عینی در اوایل چنان می‌رساند که دیگر بشریت به سمت جزم‌اندیشی و بنیادگرایی قدم نمی‌نهد؛ ولی دیری نگذشت که در برابر آن‌ها مخالفان سرسخت در تمام ادیان جهان قدم علم نمود. از پیروان مسیحیت شروع شد و پیروان همه ادیان را زیر سایه خویش آورد. اما بنیادگرایی‌یی که در جهان اسلام پدید آمد، خیلی متفاوت با آن بنیادگرایی‌یی بود که در دیگر ادیان، به‌ویژه مسیحیت تجربه شده بود. یکی این‌که بنیادگرایی در جهان اسلام طرف‌داران بسیاری را به صف خود کشاند، دلیل آن این بود که از قرن‌ها بدین‌سو مسلمانان‌ها در یک انحطاط فکری به‌سر می‌بردند، این انحطاط فکری زمینه رشد و شکوفایی علمی مسلمان‌ها را مسدود کرد تا جایی که بیشترین مسلمان‌ها به دور از نعمت دانش و سواد به زنده‌گی خویش ادامه دادند. دوم، تجربه استعمار در جهان اسلام بود که هیچ‌گاه فرصت این را برای مسلمان‌ها مساعد نساخت که این ملت‌ها یک زنده‌گی مرفه و فضیلت‌مند را تجربه نمایند. برانید استعمار غرب در جهان اسلام به فقر گسترده مسلمان‌ها دامن زد و در روزگار قدیم، به صورت مستقیم بالای مسلمان‌ها اعمال می‌شد؛ ولی در جهان امروز همان استعمار به شکل غیرمستقیم در این بخش از جهان ادامه پیدا کرده که در چهره‌های افراد دیکته‌شده و مزدور نمایان است و نمونه آن را در اکثریت کشورهای جهان اسلامی به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد.



بخش ششم



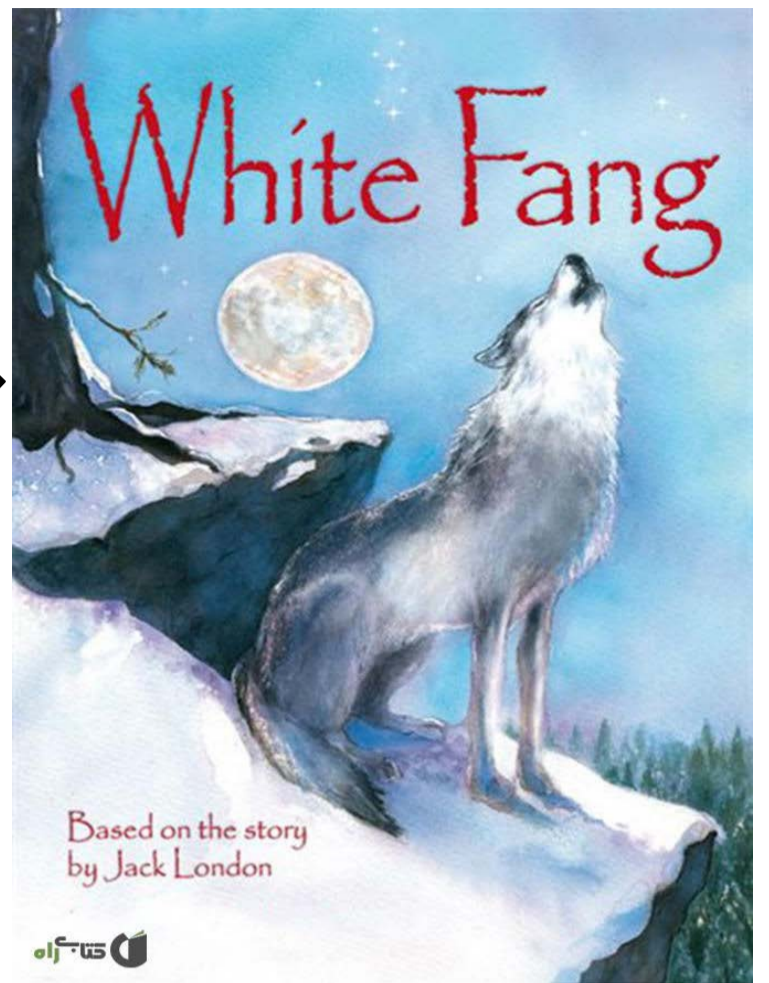
تعریف سیاست

محمد مجید عبدالهی

برخی گرایش‌ها در مطالعه سیاست روابط بین‌الملل هیچ ناظری در رشته‌یی این چنین مشحون از پیچیده‌گی‌ها، مسایل اخلاقی و نتایج تاریخی، نمی‌تواند در تحلیل خود گرایش معینی را منعکس نکند. حتا عینی‌ترین دانش پژوه تا حد زندانی تجارب خویش، ارزش‌های حاکم بر جامعه او، افسانه‌ها، سنت‌ها و قالب‌های ذهنی است که ملت و محیطش را فرا گرفته‌اند. تحلیلی کلی‌یی که یک نویسنده هندی یا مصری از سیاست بین‌الملل ارائه می‌دهد، حتا اگر طرح نظم‌بخشنده یا مبنای ارجاع مشابهی را به کار گرفته باشند، احتمالاً بسیار متفاوت از هم خواهد بود. نمی‌توان از برخی سوءتعبیرها ناشی از دیدهای فرهنگی مختلف اجتناب ورزید. به هر حال، انواع دیگری از گرایش‌ها نیز در رشته مزبور متداول هستند و دانش‌پژوه باید از آن‌ها آگاه باشد.

نخست، بسیاری از تحلیل‌های متداول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل منعکس‌کننده توجه بیش از اندازه به مسایل اساساً ملی هستند. این امر بیش از آن‌که مربوط به نویسنده‌گانی باشد که با ایجاد قضاوت‌های ارزشی حقایق دیگر کشورها را نشان می‌دهند، ناشی از این گرایش است که مسایل و اختلافات مربوط به کشورشان را به عنوان مهم‌ترین مسایل و اختلافات مطرح در جهان تلقی می‌کنند. نمی‌توان منکر اهمیت رقابت پس از جنگ سرد شوروی و آمریکا شد، اما در بسیاری از کتاب‌های آمریکایی این گرایش وجود دارد که باید تقریباً همه مسایل سیاسی بین‌المللی در چارچوب رقابت مزبور نگریسته شوند. در چنین صورتی، سیاست بین‌الملل تقریباً مترادف با جنگ سرد می‌گردد، و راه‌حل‌ها از طریق بازدارنده‌گی هسته‌یی کارآمد، انسجام ناتو و برنامه‌های موثر کمک خارجی، مشخص می‌شوند. بر این پایه همواره به نظر می‌رسد که تهدیدها از دولت‌های کمونیستی ناشی می‌شوند و همه اقدامات غرب پاسخی به آن تهدیدها تلقی می‌گردند. با استفاده از مفاهیمی مانند هدف‌ها، توانایی‌ها، تهدیدها، تنبیهات و پاداش‌ها که تمامی دولت‌ها دارند، یا به کار می‌گیرند، می‌توان از قسمت اعظم لفاظی‌های گمراه‌کننده جنگ سرد مانند (امپریالیسم کمونیستی)، جهان آزاد و تجاوز اجتناب ورزند. لفاظی‌هایی که تنها می‌توانند مانع درک فنون دولت‌مداری رایج میان دولت‌ها، صرف‌نظر از تعلقات ایدئولوژیکی‌شان شوند. می‌توان بسته‌گی شدید به ارزش‌های رادیکال، لیبرال یا محافظه‌کارانه داشت و در عین حال پذیرفت که تهدیدهای هسته‌یی از جانب واشنگتن یا لندن به همان اندازه خطرناک‌اند که از جانب پکن یا مسکو. هم‌چنین تنها به این خاطر که کشورهای غربی در ارایه تحلیل از وضعیت سیاست خارجی در مقایسه با کشورهای کمونیستی دقت بیشتری نشان می‌دهند، نمی‌توان گفت برنامه‌های آن‌ها جنبه تبلیغاتی کم‌تری دارند.

دومین گرایش غالب، از توجه عموم به امور غیر عادی، چشم‌گیر و همراه با خشونت ناشی می‌شود. کسی که مرتب روزنامه می‌خواند، می‌تواند تحریف بسیار زیاد واقعیت را از جهت خشونت و برانگیختن احساسات مشاهده کند. رسانه‌های خبری توجه ما را به بحران‌های بزرگ بین‌المللی معطوف می‌دارند، در حالی که معمولاً از اشاره به روابط مسالمت‌آمیز میان دولت‌ها خودداری می‌کنند. در واقع، اکثر مراودات میان دولت‌ها مسالمت‌آمیز، آرام، پایدار و قابل پیش‌بینی بوده و با رعایت دقت الزامات مبتنی بر معاهده جریان پیدا می‌کنند. این مراودات خبرساز نیستند. یک شهروند متوسط آمریکای شمالی نقطه‌نظرهای فراوانی در مورد بحران خاور میانه، کوبا یا آسیای جنوب شرقی دارد، گرچه سطح دانش او از این مسایل مهم، غالباً به طوری حیرت‌انگیزی پایین است. اما کسانی که درباره ماهیت روابط بین‌دولت‌های اسکاندیناوی یا شکل‌های همکاری میان دولت‌های آمریکای لاتین واقع در حوزه سلسله جبال چیزیی می‌دانند، چه تعداد اند؟ تأکید بلاانقطاع بر خشونت و اختلاف، طبعاً به دیدگاهی منجر می‌شود که "سیاست قدرت" و جنگ سرد را به عنوان هنجارهای رفتار میان دولت‌ها می‌پذیرند، در حالی که آن‌ها واقعاً استثنا هستند.



نگاهی کوتاه به داستان "سپید دندان"

سرماي قطب در جنگل‌های کاج، طبیعت را به صورت وحشت‌ناکی در پردهٔ ابهام فرو برده بود و سرما و سکوت حکم می‌راند. ناگهان صدایی سکوت را شکست. سورت‌م‌بی را سگ‌ها می‌کشیدند و دو مرد خسته و ترسان پیشاپیش حرکت می‌کردند. آن‌ها هنری و بیل بودند. شب را در کنار آتش صبح کردند، در حالی که باز دیدند از سگ‌هایشان یکی کم شده است. از اطراف، زوزهٔ گرگ‌ها به گوش می‌رسید. این وضع هر شب ادامه داشت و سگ‌ها یکی یکی کم می‌شدند تا این‌که پی بردند ماده‌گرگی وارد گلهٔ سگ‌ها می‌شود و یکی از آن‌ها را به دنبال خود می‌کشاند و سپس آن را می‌کشد و برای دیگر گرگ‌ها می‌برد. روز بعد سورت‌م‌بی آن‌ها واژگون شد؛ زیرا یکی از سگ‌ها به سوی همان ماده‌گرگ می‌رفت. بیل تفنگش را برداشت تا گرگ را بکشد؛ اما تا به خود آمد، گرگ‌های دیگر محاصره‌اش کردند و به سویش یورش بردند. لحظاتی التهاب‌آور گذشت، هنری صدای فریادها و ناله‌های دوستش را شنید که زود آرام و آرام‌تر می‌شد. اکنون هنری تنها بود و باید جانش را برمی‌داشت و می‌گریخت.

در اندک‌زمانی فهمید که حریفان زورمند بر ضعیفان چیره می‌شوند. دریافت که اگر نکشد، کشته و اگر نخورد، خورده می‌شود. شبی گرگ‌ها هنری را دوره کردند. او با کمک آتش فراری‌شان داد؛ ولی از خسته‌گی به خواب رفت. وقتی بیدار شد، خود را در میان کاروانی دید. او نجات یافته بود. در گلهٔ گرگ‌ها سه گرگ بودند: جوان، میان‌سال و پیر. آن‌ها بر گله تسلط داشتند و برای به‌دست آوردن ماده‌گرگ می‌جنگیدند. سرانجام گرگ پیر تک‌چشم، پیروز میدان شد و آن دو کشته شدند. گرگ پیر و ماده‌اش به شهری قدیمی رفتند که ساکنانش سرخ‌پوستان بودند. ماده‌گرگ با تله‌های انسانی آشنا بود و ترسی به خود راه نمی‌داد، با این حال صدای تیری شنیدند و به محلی دیگر رفتند.

با آمدن بهار، تولهٔ آن‌ها به جهان پا نهاد. حالا گرگ پیر باید در پی شکار می‌رفت؛ ولی دیگر توان کافی نداشت و سرانجام یک روز با یوزپلنگی درگیر و کشته شد. ماده‌گرگ ناچار شد به تنهایی تولهٔ زیبا و خاکستری‌اش را بزرگ کند. "سپیددندان" کم‌کم بزرگ شد و پا به طبیعت نهاد. همه‌چیز برایش رنگی دیگر داشت و عجیب می‌نمود. در اندک‌زمانی فهمید که حریفان زورمند بر ضعیفان چیره می‌شوند. دریافت که اگر نکشد، کشته و اگر نخورد، خورده می‌شود. سپیددندان و مادرش به محل زندگی سرخ‌پوستان رسیدند. برخی سپیددندان را اذیت کردند. او هم با زوزه‌ی دردناک مادرش را به یاری طلبید. ماده‌گرگ به مزاحمان حمله نکرد؛ چون در بین آن‌ها فردی به نام "گری بیور" (Gery) بود که سال‌ها قبل او را تربیت کرده بود. گری سپیددندان را نوازش کرد. از آن‌پس سپیددندان و مادرش همراه گری شدند. روزها گذشت. گری آن‌ها را به گردش می‌برد و آموزش می‌داد تا این‌که ماده‌گرگ خواست برود و او مانع نشد. حالا سپیددندان باید بدون مادرش، جنگ‌وجدهال در طبیعت را تجربه می‌کرد. گری، سپیددندان را با خود به شهر بزرگ "فورت یوک" برد. حیوان بی‌چاره فهمیده بود که حاکمان واقعی آدمیان‌اند. در آن‌جا با چند سگ درگیر شد که همواره پیروز میدان بود. زنده‌گی سپیددندان با گری پس از مدتی به پایان رسید؛ چرا که مردی به نام "اسمیت" آن را تصاحب کرد. اسمیت

دکتر نجمه نظری

در ادب فارسی، بوستان سعدی نمونهٔ جهان مطلوبی است که طراح آن، هم غالباً قضاوتی واقع‌بینانه از وضعیت موجود دارد و هم باور به تحقق‌پذیری بسیاری از مطلوب‌ها. آرمان‌شهرهای طراحی‌شده بر مبنای آرزوهای تحقق‌ناپذیر و بی‌توجه به شرایط و مقتضیات اجتماع، مخاطبان و... دارای ویژه‌گی‌هایی هستند که اگر قرار باشد بر مبنای آن، جامعه‌ی آرمانی بنا شود، برخی از همین ویژه‌گی‌ها به عنوان مانع و عامل بازدارنده عمل می‌کنند. از جملهٔ این ویژه‌گی‌ها کوچکی، انزوا، ایستایی، برابری، هماهنگی و یک‌نواختی، انتقادناپذیری و فقدان سازوکار اصلاح به سبب باور به قطعی بودن ارزش‌ها و شعارهاست. توفیق یا عدم توفیق آرمان‌شهرها در عمل به عواملی از قبیل نحوهٔ طراحی، اجرا و مخاطبان آرمان‌شهرها بسته‌گی دارد.

با توجه به چنین مشکلاتی، باید اعتراف کرد که واقع‌بینی سعدی در حد واقع‌گرایی صرف نمانده و بر بستر رئالیسم انتقادی به سوی دیده‌های آرمان‌شهری حرکت کرده است و نیز اعتدال وی سبب گشته که امکان تحقق‌پذیری مطلوب‌ها و آرمان‌های سعدی در بوستان قابل توجه باشد. در باب مربوط به عدل و تدبیر و رای، سعدی اصلی‌ترین وظیفهٔ حکومت را برقراری عدالت - نه مساوات - می‌داند و این‌که برپایی عدالت نیز نباید کورکورانه و به هر وسیلهٔ ممکن باشد، بلکه عدالت مقید به تدبیر و رای مورد تایید اوست.

الا تا نیچی سر از عدل و رای

که مردم ز دست بیچند پای گریزد رعیت ز بیدادگر کند نام زشتش به گیتی سمر سعدی با توجه به این اصل که حکومت، میزانی از مشروعیت خود را از قیال مردم اخذ می‌کند، لزوم هوشیاری در برابر تهدیدات داخلی و خارجی، ترجیح صلح بر جنگ مگر در مواردی نادر، فراگیری سیستم تامین اجتماعی،

حذف هزینه‌های زاید و تشریفات بی‌جا و اختصاص آن به دانشمندان و کارگزاران حکومت، رفتار مناسب و درخور با گردشگران و بازرگانان ممالک دیگر را برای حکومت ضروری می‌داند.

ویژه‌گی‌هایی که حکومت‌های زمانه چندان بدان‌ها پایبند نبودند و حتا با زیر پا نهادن برخی از آن‌ها، زمینه‌ساز هجوم ویران‌گر مغول بدین سرزمین‌ها گشته‌اند.

مکن تا توانی دل خلق ریش

و گر می‌کنی، می‌کنی بیخ خویش...

فراخی در آن مرز و کشور خواه

که دل‌تنگ بینی رعیت ز شاه

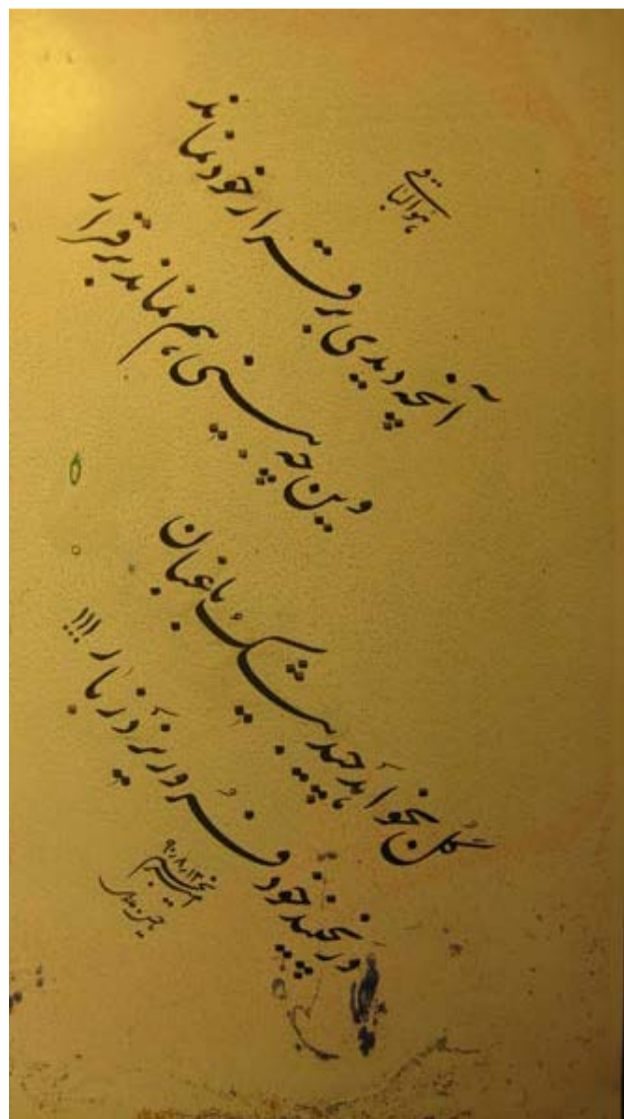
در حوزه‌های دیگر نیز سعدی، ناراضی از وضع موجود زمانه و جامعهٔ خویش ایده‌آل‌های خود را مطرح می‌کند.

جامعهٔ آرمانی سعدی، جامعه‌ی ایستا نیست که در آن مایده‌های آسمانی برای همه فراهم باشد و ترک کار و تلاش، شایسته تلقی شود. به رغم اعتقاد قلبی و عمیق سعدی در توکل و امید به لطف خداوند، وی برای کار و سازنده‌گی اهمیتی اساسی قایل است و ترک بی‌دلیل آن را گناهی نابخشودنی می‌داند. نکتهٔ قابل توجه در مورد جهان مطلوب سعدی آن است که به دور از یک‌جانبه‌نگری، همهٔ مسایل اجتماعی را زنجیره‌وار در کنار هم می‌بیند و برای حل معضلات هر بخش، راهکارهای خاص خویش را ارائه می‌کند.

نکتهٔ قابل تأمل دیگر این‌که سعدی به دنبال خلق انسانی تک‌بعدی یا انکار برخی از ابعاد وجود آدمی نیست.

او نیز هم‌چون همشهری بزرگش حافظ، انسان را موجودی چندبعدی و دارای نیازهای متنوع می‌داند که باید به رسمیت شناختن تمامی جنبه‌های جسمانی و روحانی وجود وی با احترام به این نیازها، برنامه و طراحی برای سعادت او ارائه نمود، نه از راه انکار و سرکوب برخی از این نیازها. از این‌روست که در دنیای سعدی در کنار طرح گستردهٔ دینی، اخلاقی و تعلیمی، عشق نیز جایگاهی ویژه و برجسته دارد.

سعدی در بوستان آرمان شهر شیخ مصلح‌الدین





سالانه هفت میلیارد دالر از آدرس مهاجرین به اقتصاد افغانستان کمک می شود

سید حسین عالمی، وزیر امور مهاجرین کشور دیروز در افتتاح مرکز معلوماتی مهاجرین در این وزارت گفت، بر بنیاد ارزیابی که انجام شده، سالانه مبلغ ۱۶۶ میلیون دالر از آدرس مهاجرین به اقتصاد افغانستان کمک می شود.

وزیر امور مهاجرین در مورد مرکز معلوماتی مهاجرین گفت که این مرکز به یک ریاست مستقل در چارچوب وزارت امور مهاجرین فعالیت خواهد کرد و به کمک امریکا و سازمان مهاجرت جهانی (IOM) سیستم آن عیار شده است.

آقای عالمی بلخی گفت که در سال جاری در حدود یک میلیون مهاجر کشور به وطن برگشته اند که بیشتر آن از کشورهای همسایه پاکستان و ایران عودت کرده اند.

او گفت که اکنون آمار مهاجرین کشور از شش میلیون کمتر شده است.

سید حسین عالمی تصریح کرد: تحقیقی که از سوی وزارت مهاجرین انجام شده، نشان می دهد که سالانه از آدرس

مهاجرین کشور مبلغ ۱۶۶ میلیون دالر که معادل آن ۷ میلیارد افغانی می شود، به اقتصاد کشور کمک می شود که از این مبلغ بر بنیاد ارزیابی بانک جهانی ۳۰۰ میلیون افغانی آن مربوط حواله های پولی است که مهاجرین از کشورهای خارجی به خانواده های شان ارسال می کنند.

وزیر امور مهاجرین گفت که گزارش این تحقیق را به کمیسیون اقتصادی شورای وزیر ارایه کرده و کمیته خاص در مورد تأثیرگذاری اقتصادی مهاجران تشکیل شده است که از نتایج بررسی های این کمیته در برنامه های دولت برای مهاجرین و توسعه کشور استفاده می شود.

سید حسین عالمی بلخی، وزیر مهاجرین توضیح داد که تلاش دولت بر این است که هزینه حواله را که اکنون ۵ درصد می باشد، به ۳ درصد کاهش دهد و پول های مهاجرین که از طریق حواله ارسال نمی شود از این طریق ارسال گردد.

دولتی ارگانونه دې د بنخو خورونې منع قانون اجرا ته پالېسي جوړه کړي



د ولسي جرگې د بنخو چارو کمېسيون د دولت له اړوندو ارگانونو غواړي چې د بنخو او ماشومانو د خورونې د منع قانون پلي کولو ته اجرائيوي پالېسي جوړي کړي.

د ولسي جرگې د بنخو چارو کمېسيون، د دولت پر اړوندو ارگانونو ټينگار وکړ چې د بنخو او ماشومانو د خورونې د منع قانون پلي کولو ته تدابير جدي کړي.

په دې مقصد د سې شنبې په ورځ په کابل کې د کورنيو چارو، عدليې، کار او ټولنيزو چارو او د پوهنې وزارتونو د مسؤلينو د همغږۍ يوه غونډه جوړه شوې وه.

غونډې ته د ولسي جرگې د بنخو چارو کمېسيون رئيسې فوزيې کوفي وويل چې يوازې د قانون موجوديت د بنخو او ماشومانو د خورونې د منع کولو لپاره کافي نه بلکې، د دولت د اړوندو ارگانونو له خوا د دغه قانون پلي کول مهم دي.

نوموړې زياته کړه: "د بنخو او ماشومانو د خورونې د منع قانون داسې موارد پيش بيني کړي چې هيله ده له پلي کېدو سره يې، بېلابېلې خورونې کمې شي، نننۍ غونډه مو د دې لپاره جوړه کړې چې د مختلفو ارگانونو تر منځ همغږي رامنځته شي او د دې قانون د پلي کېدو لپاره عملي پلانونه او ژمنې ولري."

د افغانستان په ځينو ښارونو کې د بنخو، نجونو او ماشومانو خورول په دې وروستيو کلونو کې په يوې ستونزې اوښتي او اکثره هغه نجونې او ښځې چې ښوونځيو ته ځي او يا په دولتي او خصوصي ادارو کې دندې ترسره کوي، نه شي کولای چې په ډاډه زړه له کوره ووځي.

دغه خورونې اکثره په وانونو، بسونو، پارکونو، مارکېټونو او حتی په ځينو دولتي ادارو کې ليدل شوي چې د خلکو او کورنيو شکايتونه يې پورته کړي دي.

د يادې ستونزې د مخنيوي لپاره په دې وروستيو کې د ملي شورا دواړو جرگو د بنخو او ماشومانو د خورونې د منع قانون تصويب کړ.

د بنخو او ماشومانو د خورونې د منع قانون ۳ فصله او ۲۹ مادې لري چې عامه پوهاوي، انضباطي تدابير، تعليمي لارښوونې، جزايي او داسې نورې برخې په کې شاملې دي.

په جوړې غونډه کې د عدليې وزير عبدالصير انور د بنخو او ماشومانو خورول يو ناوړه او د اسلام او ملي ارزښتونو خلاف عمل وباله او وپيل چې د دغه قانون خپرولو ته يې تدابير نيولي دي.

د بنخو چارو وزيرې دلبر نظري وويل، د دغه قانون د پلي کولو لپاره د اجرائيوي ارگانونو د اقداماتو تر څنگ په کار ده چې خلکو ته د عامه پوهاوي يو پراخ کمپاين پيل شي.

نوموړې زياته کړه:

"د بنخو او ماشومانو د خورولو لمن دومره لويه ده چې ريښې يې يوازې د قانون په تصويبېدو سره او جزايي مقرراتو سره له منځه نه شي تللی بلکې د ذهنونو جوړول او عامه پوهاوي کولای شي چې اغېز ولري، د دې قانون په پلي کولو کې بنخو او نارينه و ته د عامه پوهاوي ورکول او د قانون د تنفيذ ارگانونو سره گډې غونډې اغېز لرلی شي."

سرپرته پر دې د پوهنې وزارت مرستيال اسمدالله محقق جهاني وويل، پلان لري چې د بنخو او ماشومانو د خورونې د مخنيوي په خاطر، د ښوونځيو په تعليمي نصاب کې دغې برخې ته ځای ورکړل شي.

همدارنگه د کورنيو چارو وزارت د جنايي جرمونو پر وړاندې د مبارزې رئيس سيد عبدالغفار سيدي وويل، د روانې ستونزې د حل لپاره به د دولت له اړوندو ارگانونو سره په همغږۍ، د څارنې، پلټنې او د بنخو او ماشومانو د خونديتوب لپاره ځانگړي پلانونه ترتيب او عملي کړي.

په جوړې ناسته کې ځينو حقوق پوهانو وويل، د روانې ستونزې حل ناممکنه نه دی او د دولت د اړوندو ارگانونو د کوټلو او پرله پسې هڅو په نتيجه کې هوارېدلی شي.

دا په داسې حال کې ده چې د افغانستان جمهور رئيس اشرف غني څو ورځې مخکې د اساسي قانون د اوونۍ د لمانځلو په مراسمو کې د هېواد د ټولو نافذه قوانينو پر پلي کېدو ټينگار کړی دی.

امنیت ملی: از حملات طالبان در ولایتهای شمال و شمال شرقی جلوگیری شد

ریاست امنیت ملی کشور اعلام کرده است که مأموران این ریاست موفق شدند که حملات انتحاری و انفجاری طالبان در ولایت های شمال و شمال شرقی جلوگیری کرده اند.

مأموران این ریاست موفق شدند که حملات انتحاری و انفجاری طالبان در ولایت های شمال و شمال شرقی جلوگیری کرده اند.

دفتر مطبوعاتی امنیت ملی با نشر خبرنامه یی نوشته است که مأموران این ریاست با کشف و خنثی سازی یک مرکز ساخت وساز طالبان از چندین حملات این گروه جلوگیری کرده اند.

در خبرنامه آمده است: خوشبختانه برنامه شوم دشمنان مردم افغانستان توسط موظفین دلیر ریاست

عمومی امنیت ملی در نطفه خنثی گردیده است. گفته می شود که مرکز ساخت وساز ماین طالبان در ریاست امنیت ملی کشف شده است. این ریاست نوشته است که این مرکز در یک عملیات ویژه مأموران این ریاست کشف شد. در خبرنامه آمده است که در این مرکز مقداری و سايل که از آن در ساخت واسکت های انتحاری، ماین های چسپکی و ماین های کنترل از راه دور استفاده می شد، کشف و ضبط شده است.

از این مرکز ۳۹۵ عدد ریموت کنترل، ۳۹۵ عدد تخت آنتن دهی ریموت کنترل، ۱۵ عدد تخت آماده شده ماین های ساعتی، ۸۰۰ عدد کپسول های برقی بدست آمد.



ساحات آبدات تاریخی بدخشان غصب شده است

آقای نهیت هم چنان گفت، سروی پل خشتی که در سابق شهر کهنه را با شهر نو وصل می کرد نیز از طرف بنیاد فرهنگی آغا خان آغاز و کار ساخت آن در آینده نزدیک شروع خواهد شد.

سید حسین نهیت تصریح کرد: در گذشته اکثر مناطق باستانی در ولسوالی ها به شمول مقبره های تاریخی، از طرف شب کندنکاری شده، اما تا حال فهمیده نشده که چه آثاری در آن محلات یافت و قاچاق گردیده است.

او گفت: "در کندن کاری و قاچاق آثار باستانی، پای زورمندان دخیل است، فعلا بعضی نقاط باستانی مانند خندان شهر و شهرصفا در ولسوالی درایم تثبیت گردیده که متأسفانه نقاط زیاد این شهر باستانی، کندن کاری شده است."

به گفته آقای نهیت: "فعلا ما جرأت نمی کنیم که ساحات باستانی را شناسایی و آن را به وزارت اطلاعات و فرهنگ معرفی کنیم، زیرا به مجرد تثبیت ساحه باستانی، مردم محل و زورمندان به کندن کاری و حفريات می پردازند، همه این آثار از بین می روند و از طرف دیگر، کارمندان ما نسبت نبود امنیت و کمبود بودجه و وسایل تخنیکي سفر کرده نمی توانند تا از ساحات باستانی دیدن کنند."

او از نهادهای مسوول خواست تا برای حفظ آبدات تاریخی و نقاط باستانی در بخش های مالی، تخنیکي و امنیت، با ریاست اطلاعات و فرهنگ بدخشان همکاری کنند.

بدخشان در زون شمال شرق کشور قرار داشته و یکی از ولایات کوهستانی و سرسبز افغانستان است. این ولایت که داری منابع سرشار طبیعی از جمله معادن لعل و لاجورد می باشد، با تاجکستان، پاکستان و چین نیز مرز مشترک دارد. گفتنی است که آبداهای تاریخی فراوان در این آنجا دلالت بر قدامت تاریخ این منطقه دارد.



خلاف قانون میراث های تاریخی و فرهنگی افغانستان می باشد.

نهیت در حالی که ارقام دقیق زمین های غصب شده را به دست نداد و از افراد و نهادهای دولتی که در غصب این زمین ها دست دارند نیز نام نبرد، اما گفت که در قسمت واپسگیری زمین های غصب شده، تلاش ها از طریق نهادهای عدلی و قضایی جریان دارد تا دو باره زمین ها جز آبدات تاریخی و ساحات باستانی گردد.

او گفت که تاکنون در این ولایت ۲۲ آبداه تاریخی از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ تثبیت و ثبت گردیده است که از جمله، پنج آبداه در شهر فیض آباد و متبایق در ولسوالی های دوردست قرار دارد.

نهیت افزود: "کار ترمیم و بازسازی مرقد حکیم ناصر خسرو بلخی و مدرسه ملا برات در ولسوالی میگان، آرامگاه میریاریک در ناحیه ۴ فیض آباد، یک حمام قدیمی در شهر کهنه فیض آباد و ۱۱ دکان قدیمی در شهر کهنه فیض آباد، از طرف بنیاد فرهنگی آغاخان جریان دارد که تا ۹۰ درصد کار پیش رفته است."

مسوولان در ولایت بدخشان می گویند، دهها جریب زمین ساحات باستانی و آبدات تاریخی در این ولایت، از سوی افراد و نهادهای دولتی غصب گردیده است.

سید حسین نهیت، آمر فرهنگ ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت بدخشان، در گفت و گو با پژواک گفت که در چند سال گذشته، از جمله دهها جریب زمین غصب شده، تنها این اداره توانسته یک و نیم جریب زمین را پس بگیرد.

آقای نهیت در ادامه افزود: "تا حال ما توانسته ایم صرف یک و نیم جریب زمین محوطه و مرقد میر یاریک در ناحیه ۴ فیض آباد را از طریق محکمه، از نزد غاصب آن بیرون بکشیم و جز محوطه مرقد بسازیم."

آمر فرهنگ ریاست اطلاعات و فرهنگ بدخشان تأکید کرد که محوطه خرقة مبارک در شهر فیض آباد، یک بخش از زمین آن غصب گردیده و در قسمتی از آن ریاست حج و اوقاف، منازل مسکونی ساخته شده و یا مردم مرده گان شان را دفن کرده اند که این

فیسبوک نامه

عارف رحمانی



آفتاب عدالت طلوع خواهد کرد

ما سال‌هاست که در این سرزمین به معنای دقیق کلمه «شهروند اضافی» هستیم. چرا که در این جامعه از حقوق برابر با سایر شهروندان کشور برخوردار نیستیم. سال‌هاست که با رنج درجه چندم بودن زنده‌گی کرده‌ایم و این رنج تحقیر و تبعیض زمینه‌های رشد و ترقی ما و انسانی‌سازی مناسبات این جامعه را از بین برده است و ما را از حداقل‌های انسانی محروم ساخته است. ما در فصل جدید مبارزات عدالت‌خواهانه خود در چهل سال گذشته تلاش کرده‌ایم که انسان برابر با سایر انسان‌های این سرزمین باشیم، برای عبور از این وضعیت نابرابر و سرشار از تبعیض و ناروایی و بیداد، هزینه‌های بسیاری پرداخته‌ایم. قربانی‌های زیادی داده‌ایم و رنج‌های زیادی را تحمل کرده‌ایم. در فرایند این مبارزات و دادخواهی‌ها، یک تاریخ خون و رنج و زجر و رنجبر را ساخته‌ایم!

این وضعیت غیر دینی، غیر اخلاقی و غیر انسانی بوده است و به همین جهات، این وضعیت مسلماً برای عصر و نسل ما غیر قابل قبول است. حال نسل ما عزم کرده است که متکی به آموزه‌های بدیهی و انسانی عام امروز، این نابرابری‌ها و ناروایی‌ها را پشت سر بگذارد و به آفتاب عدالت و انسانیت سلامی دوباره دهد!

اما این هم واقعیتی است که امروزه یک نسلی از میان عدالت‌خواهان جامعه ما در برابر استبداد و تمامیت‌خواهی و ستم‌ورزی تسلیم شده است. آنان به زبان بی‌زبانی شکست و تسلیم‌پذیری خود را اعلام کرده‌اند. این نسل تلاش می‌کند به فرصت‌های حداقل و داشته‌های اندک اکتفا کند. از این‌رو، به همین وضعیت بسنده کرده و مصروف سر و سامان‌دادن به زنده‌گی شخصی خود هستند. نسل سوخته و به تاراج رفته!

نسل ما، نسل آفتاب، نسل عدالت‌خواه نسل تبعیض ستیز، اما تلاش دیگری را آغاز کرده و عزم آن دارد تا پرده‌های زخیم ناروایی و نابرابری را در این کشور بشکافد، از این‌رو، این نسل جدید و جدی عدالت‌خواه، تلاش خود را مبنی بر رسیدن به وضعیت مطلوب‌تر و انسانی‌تر و عادلانه سامان داده است. این نسل متکی به باورهای عقلانی و انسانی و حقوق بشری و مدرن امروز جنبش روشنائی را رقم زده است. نسل ما صبرش به سر رسیده و تحمل اهانت و تحقیر و تبعیض را ندارد. نسل ما بیش از این نمی‌تواند پشت میله‌های حصارهای مستحکم نابرابری، بی‌عدالتی و تبعیض و ناروایی بماند. این نسل حاضر است برای از میان برداشتن مناسبات ظالمانه و غیرانسانی و تحقیرآمیز در این سرزمین سال‌ها به مبارزه و مجاهده خود ادامه دهد، این نسل حاضر است، اسماعیل‌های عدالت‌خواه را در برابر بت‌واره قدرت سیاسی قربانی کنند. چنان که در دوم اسد این کار را کرد!

نور الله ولی زاده



ما یک عمر است که جنایت‌های طالبان را تحمل می‌کنیم و بر گلیم غم نشسته‌ایم، اما گاهی که طالبان را گروه تبه‌کار و سیاه می‌خوانیم، یک عده از هموطنان ما آزرده خاطر می‌شوند، اما امارات متحده عربی، یکی از حامیان طالبان، که اخیراً در یک حمله طالبان چند دیپلمات خود را از دست داد، یک جنرالش آمده چیزهایی در مورد افغانستان گفته که تا کنون خارجی دیگری نگفته بود.

گفته‌اند، زمین آنجا سوزد که آتش است. عرب‌ها به شمول کشور امارات متحده عربی، بیست سال است که طالبان و سایر گروه‌های تروریستی را در افغانستان و منطقه حمایت می‌کنند و شاید تازه متوجه شوند که از کی‌ها حمایت می‌کنند. عرب‌ها بدانند که طالبان تاجران خون انسان‌اند و هر که برای شان پول بدهد، حاضراند در برابر آن، خون هر که را بریزند. مهم نیست که خون ریخته شده متعلق به حامیان باشد یا متعلق به هم‌دینان شان...!

دستگیر روشنیالی



دا بل دول جگره ده.

دا هغه پروني جگره نه دی. دي جگري يوه پياوړې ايدولوژيکه خانگرتيا غوره کړې ده، کومه چي پياوړي بالقوه او بالفعل لاملونه لري. دا جگره له غرو او دښتو ښارونو، کوڅو او کلو ته را کوزه شوي. په دي جگره کي کرکه، کينه، ډار او جهالت له يو بل سره لاس په لاس او په گډه عمل کوي او هدف منځنيو پيړيو ته د ټولني ورگړزول دی. دا د هغوي جگره دی چي له يوي خوا په وروسته پاتي والي، حقارت، خواري، غريبي او بدبختي کي ډوب دي او له بلې خوا د پرمختگ په لورله هر خوښت او له هر بدلون سره په کرکه او کينه چلند کوي...

--هغوي چي خپل موجوديت په جهالت او ناپوهي کي لتوي "حقانيت" به يې څه وي؟
--هغوي چي خپل زور په ترور کولو او وژلو کي څرگندوي "حاکميت" به يې څه وي؟
--هغوي چي په زور او وژلو په نورو خپل نظريات تحميل کوي "عدالت" به يې څه وي؟
--هغوي چي د زده کړې د منځنيو په منظور ښوونځي سوزي او د سلگونو زرو ماشومانو د فکرونو او استعدادونو د روزلو مخه نيسي "برتری" به يې څه وي؟

کشور جهان نا

آلمان: مداخله آمریکا در خاور میانه موجب بروز بحران پناهنده‌گی شد

معاون صدراعظم آلمان گفت، مداخله آمریکا در امور خاورمیانه و عدم مدیریت صحیح آن، موجب بروز بحران پناهجویی شده است.

زیگمار گابریل، معاون صدر اعظم آلمان در واکنش به اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا گفت که در وهله اول این مداخله آمریکا در امور خاورمیانه و عدم مدیریت صحیح آن بود که موجب بروز بحران پناهجویی شد.

زیگمار گابریل همچنین ترامپ را برای اظهاراتش در مورد شرکت‌های خودروسازی آلمان مورد انتقاد قرار داد. ترامپ گفته بود، اگر این شرکت‌ها بخواهند محصولات خود را در آمریکا به فروش برسانند و کارخانه‌های خود را در کشور دیگری چون مکزیک مستقر کنند، مالیات ۳۵ درصدی به محصولات آن‌ها تعلق خواهد گرفت.

از سوی دیگر، فرانک والتر اشتاین‌مایر، وزیر امور خارجه آلمان گفت: اظهارات رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا مبنی بر این‌که ناتو یک پیمان منسوخ و کهنه است، در میان اعضای این ائتلاف نظامی نگرانی‌هایی را در پی داشته است.

به نقل از خبرگزاری رویترز، رئیس دستگاه دیپلماسی آلمان پس از دیدار با نینس استولتنبرگ، دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) گفت: اظهاراتی که از سوی دونالد ترامپ مطرح می‌شود، با اظهارنظرهای مطرح‌شده از سوی جیمز ماتیس، وزیر دفاع او منافات دارد.

اشتاین‌مایر در پاسخ به پرسشی درباره مواضع اعلام شده از سوی ترامپ در مصاحبه اخیر او، خاطر نشان کرد: من امروزه نه تنها با وزیران خارجه اتحادیه اروپا، بلکه با وزیران خارجه ناتو نیز گفت‌وگو کردم و می‌توانم بگویم که سیگنال‌های دریافتی حاکی از این نیست که از تنش‌ها کاسته خواهد شد.

او تأکید کرد: به طور قطع اظهارات ترامپ مبنی بر این‌که ناتو پیمانی قدیمی و منسوخ است، مایه نگرانی بوده است.

انتخابات در پارلمان اروپا برای تعیین رییس جدید

پارلمان اروپا دیروز (سه‌شنبه) رییس جدیدی را برای خود بر می‌گزیند و این درحالی است که میان دو کاندیدای اصلی این پست که هر دو از ایتالیا هستند، تنش وجود دارد.

فرد برنده قرار است جایگزین مارتین شولتز آلمانی شود که پنج سال ریاست پارلمان اروپایی را برعهده داشته است. شولتز قرار است پس از اتمام مدت فعالیتش در این سمت به آلمان بازگردد و در عرصه سیاست فعالیت خود را ادامه دهد.

رییس جدید پارلمان اروپا قرار است فقط ریاست این بخش از اتحادیه اروپا را برعهده داشته باشد که نظر نهایی را درباره توافق بریکزیت در بازه زمانی دو ساله اعلام می‌کند.

۷۵۱ عضو این پارلمان آرای مخفی خود را در استراسبورگ فرانسه به صندوق می‌اندازند و رای‌گیری می‌تواند چهار بار تکرار شود.

کاندیداهای اصلی هر دو از ایتالیا هستند و "آنتونیو تیانلی"، سیاستمدار راست میانه و "جیانلی پیتلا"، سیاستمدار سوسیالیست نام دارند. پنج کاندیدای دیگر شانس کمی برای پیروزی دارند.

دو رقیب اصلی این پست از زمان شکسته شدن توافق بلندمدت میان دو حزب سیاسی راست میانه و سوسیالیست به شدت با یکدیگر به رقابت پرداخته‌اند.

تیانلی، سخنگوی سابق سیلیو برلوسکونی، نخست‌وزیر پیشین ایتالیا و یکی از کمیسیونرهای سابق اروپایی، کاندیدای حزب مردم اروپا، بزرگترین گروه سیاسی در پارلمان اروپا به شمار می‌رود.

جیانلی پیتلا، اما گفته که نمی‌تواند انحصاری بودن حزب مردم اروپا را در سمت‌های رییس کمیسیون اروپا و شورای اروپا بپذیرد که اکنون ژان کلود یونکر و دونالد تاسک عهده دار آن‌ها هستند.

پیروزی تیانلی می‌تواند سبب تغییر در این سمت‌ها شود و به بحران در اتحادیه اروپا بینجامد.

فیصل شایسته به لیگ برتر فوتبال ایران می‌پیوندد



مجید جلالی، سرمربی تیم پیکان ایران در کنفرانس خبری پیش از دیدار برابر صبای قم از تلاش باشگاه پیکان برای به خدمت گرفتن یک بازیکن تیم ملی فوتبال افغانستانی نام برد.

پیش‌تر از این علی دایی با فراخواندن «اویس عزیزی» گلر تیم ملی افغانستان یک گام برای ورود اولین افغانستانی لیگ برتر ایران را برداشته بود. البته در مورد اویس عزیزی اظهارهای علی دایی سرمربی تیم نفت تهران فراتر از توانایی‌های او بود، اما نکته‌ی که در همان جلسه آزمایشی گلر تیم ملی افغانستان به چشم آمد، استقبال هواداران این کشور از تمرینات نفت و هیجان آن‌ها از حضور یک گلر افغانستانی در فوتبال ایران بود.

حالا مجید جلالی به عنوان دومین سرمربی ایرانی شاغل در لیگ برتر طی چند هفته اخیر، به دنبال استخدام یک بازیکن از کشور همسایه و این بار کاپیتان تیم ملی افغانستان است.

فیصل شایسته که سال گذشته به عنوان بهترین چهره ورزشی کشور انتخاب شد، دوران حرفه‌ی فوتبال خود را در آلمان آغاز کرده است، سپس به کشور بلغارستان رفت. او پس از آن به لیگ تایلند اضافه شد و هم اکنون در سوپر لیگ مالزی به فوتبال حرفه‌ی خود ادامه می‌دهد.

هافبک ۲۶ ساله و کوتاه قامت تیم ملی کشور در سال ۲۰۱۴ موفق به پوشیدن پیراهن تیم ملی شده است و تاکنون در ۲۴ بازی ۱۷ گل برای این تیم به ثمر رسانده است.

این بازیکن توانایی خاصی در زدن ضربات ایستگاهی دارد و به عنوان یک هافبک چپ پای تخصصی به پیکان وارد می‌شود.

حضور اویس عزیزی، گلر تیم افغانستان در تمرینات تیم نفت تهران، هواداران زیادی را به تمرینات این تیم روانه کرد و حالا حضور فیصل شایسته که چهره محبوب‌تری نیز در فوتبال افغانستان به شمار می‌رود، می‌تواند تماشاگران زیادی را به ورزشگاه شهر قدس بکشاند.

البته هنوز این اتفاق رخ نداده و در حد صحبت‌های سرمربی تیم پیکان سر بسته باقی مانده است، با این وصف، به نظر می‌رسد حتا در صورت اضافه‌شدن فیصل شایسته به تیم پیکان، به زودی شاهد حضور بازیکنان افغانستانی در لیگ ایران خواهیم بود.

کشوری که به واسطه شرایط ویژه‌ی که در مرزهای داخلی دارد، نمی‌تواند به صورت عادی مناسبات فوتبالی را داشته باشد و همین سال قبل بود که از ورزشگاه آزادی به عنوان ورزشگاه خانه‌گی خود برای رقابت‌های مقدماتی جام جهانی استفاده کرد.

در مجموع حضور بازیکنان افغانستان در لیگ ایران می‌تواند، روزنه امیدی برای بازیکنان این کشور باشد تا بهتر و بیشتر دیده شوند.

تیم کرکت افغانستان امارات متحده را شکست داد

تیم کرکت افغانستان، امارات متحده عربی را با ۵ وکت شکست داد و با دو پیروزی و کسب چهار امتیاز جایگاه خود را در دور بعدی مشخص ساخت.

امارات نخست به میدان رفت و در ۲۰ آوور با از دست دادن ۷ بازیکن ۱۴۶ دوش گرفت. اما افغانستان در آوور ۱۹ هدف تعیین شده را پوره کرد و برنده شد. نجیب زدران با کسب ۱۱ و کریم جنت ۲۲ دوش در حساس‌ترین لحظه رقابت -در آوور ۱۷ و ۱۸-بازی- صفحه رقابت را به نفع افغانستان برگشتاندند.

تیم کرکت افغانستان با وجودی که شیر و خط را برده بود، امارات را به بیتنگ دعوت کرد. دولت زدران ۴ بازیکن تیم امارات را از میدان خارج کرد، راشدخان ۲ و فریداحمد یک بازیکن حریف را حذف کردند.

خط بیتنگ افغانستان آغاز خوبی نداشت و محمد شهزاد، نجیب ترکی و نبی عیسی خیل دوش خوب نداشته و قربانی بالنگ زیرکانه تیم امارات شدند.

اما اصغر ستانکزی ۳۰ دوش، سمیع شینواری ۴۰ دوش را انجام داده و افغانستان را به پیروزی نزدیک‌تر ساختند. این دومین پیروزی پیهم افغانستان در این جام است و قرار است در سومین بازی این سلسله، تیم کرکت افغانستان روز پنج شنبه با نامیبیا به مصاف برود. در رقابت دیگر از گروه الف، عمان، هانگ کانگ را با ۷ وکت شکست داد.

Mandegar

ساز دوگانه تیم ترامپ

وزیران پیشنهادی ترامپ در جلسات پرسش و پاسخ خود در سنای امریکا سخنانی گفته‌اند که با اظهارات دونالد ترامپ زاویه دارد. حال مفسران می‌پرسند که آیا ترامپ افراد درستی را برای این پست‌ها انتخاب کرده؟

به گزارش دویچه وله، در جلسات سنا، برخی از وزیران پیشنهادی ترامپ نه تنها موضعی متفاوت از مواضع رییس جمهور آتی امریکا بیان کرده‌اند که حتی در قیاس با مباحث کارزار انتخاباتی، نگاهی معتدل‌تر به مسائل داشته‌اند. هنوز اما روشن نیست که آیا این مواضع معتدل‌تر نشانه تغییر مواضع خود ترامپ است یا بازتاب اختلافات نظری وزیران پیشنهادی با رییس جمهور جدید است.

برخی از تحلیلگران و مفسران هم گفته‌اند که شاید کار به این گونه پیش برود که ترامپ حرف‌های خودش را تکرار کند و وزیران کابینه‌اش راه خودشان را بروند. ولی اینکه کدام گمانه‌زنی به واقعیت نزدیک‌تر است، موضوعی است که به‌زودی روشن خواهد شد.

بررسی صلاحیت وزیران پیشنهادی ترامپ چند روزی است که شروع شده است. تک تک این وزیران باید در برابر کنگره امریکا حضور یابند و به پرسش‌های نمایندگان پاسخ گویند. این شیوه از بررسی صلاحیت را به طنز در امریکا نوعی "کباب" کردن نامیده‌اند. چون سناتورهایی که در برخی مسائل از دانش کارشناسانه برخوردارند، گزینه‌های پیشنهادی رییس جمهور را به رگبار پرسش‌ها می‌بندند.

بدیهی است که نمایندگان حزب مخالف در این دوره، نمایندگان حزب دموکرات، منتظر چنین فرصتی هستند. تا همین الان خیلی چیزها روشن شده است و مهم‌ترین آن اینکه تیم وزیرانی که ترامپ برای وزارتخانه‌های مختلف پیشنهاد کرده، بر خلاف قاعده حاکم عمل می‌کنند و سازی متفاوت می‌نوازند. این وزیران در همان مسیری حرکت نمی‌کنند که تا کنون در کاخ سفید و دولت امریکا روال عادی و مرسوم کار بوده است.

یک هفته است که کار پرسش و پاسخ وزیران در سنا شروع شده است. تا این لحظه هفت وزیر از مجموع ۱۵ وزیر پیشنهادی به پرسش‌های نمایندگان پاسخ گفته‌اند. پاسخ‌هایی که این یا آن وزیر پیشنهادی به پرسش‌های نمایندگان داده‌اند، از آن حکایت دارد که مواضع آن‌ها در برخی موارد با مواضع اعلام شده ترامپ متناقض است.

شماری از رسانه‌های آلمانی زبان و از جمله روزنامه "فرانکفورتر آلگماینه"، سایت خبری شبکه یک آلمان "تاگس شاو" و همچنین سایت شبکه خبری "ان تی وی" گوشه‌هایی از تناقض‌گویی‌های وزیران پیشنهادی با مواضع اعلام شده ترامپ را منتشر کرده‌اند.

"تاگس شاو" به اختلاف نظر ترامپ و رییس آینده سازمان سیا، مایک پمپئو از یکسو و اختلاف نظر ترامپ با وزیر دفاع پیشنهادی‌اش، جیمز ماتیس از سوی دیگر پرداخته است. هم رییس آینده سازمان سیا و هم وزیر دفاع پیشنهادی، روسیه را برخلاف نظر دونالد ترامپ، متحد جدید امریکا ارزیابی نمی‌کنند.

به عنوان نمونه، وزیر دفاع پیشنهادی ترامپ درباره روسیه از جمله چنین گفته است: ما

لیست بلند و بالایی از تلاش‌هایی داریم که تاکنون برای بهبود مناسبات با روسیه انجام شده‌اند. و در عین حال لیست کوتاهی داریم که حکایت از موفقیت چنین تلاش‌هایی دارد. جیمز ماتیس تاکید کرده است: ما می‌بایست در برابر پوتین رویکردی واقع‌بینانه داشته باشیم. پوتین همه تلاش خود را به کار برده تا در پیمان دفاعی آتلانتیک شمالی، ناتو، شکاف بیندازد.

وزیر امور خارجه پیشنهادی ترامپ، رکس تیلرسون رییس پیشین کمپانی بزرگ نفتی "اکسون موبیل" است و گفته می‌شود که مناسبات بسیار خوبی با پوتین و روسیه دارد. فراموش نباید کرد که سال ۲۰۱۴ پوتین به تیلرسون مدال دوستی روسیه را اهدا کرده بود. با عزیمت از این مناسبات حسنه با روسیه،

دفاعی آتلانتیک شمالی، ناتو شود. او گفته حتی اگر ناتو هم وجود نمی‌داشت، ما می‌بایست چنین نهادی را راه‌اندازی می‌کردیم. پیمان ناتو ضامن صلح در جهان است. ژنرال جیمز ماتیس حتی گفته بود که امریکا و متحدانش باید از همه امکانات دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی بهره گیرند تا در صورت لزوم از خودشان در برابر تهدیدات دفاع کنند.

دونالد ترامپ توافق‌هسته‌ای با ایران را "بلهانه‌ترین معامله" کل تاریخ امریکا خوانده بود. ترامپ گفته بود که به محض شروع کارش، برچیدن این توافق در شمار اولویت‌های دولت او خواهد بود. حال آنکه وزیر دفاع پیشنهادی ترامپ در جلسه پرسش و پاسخ سنا موضع کاملاً متفاوتی در برابر برجام گرفت.



ژنرال جیمز ماتیس در این باره گفت: «هرگاه امریکا متعهد به انجام چیزی شده باشد، باید برای همکاری با متحدان خود به این تعهد پایبند بماند.»

ماتیس گفته که به توافق هسته‌ای با ایران پایبند است. این در حالی است که وزیر پیشنهادی ترامپ برای وزارت امور خارجه پیشتر موضوع بررسی مجدد برجام را مطرح کرده بود. طبعاً "بررسی" مجدد توافق هسته‌ای با "برچیدن" آن تفاوتی جدی دارد.

یکی از برگ‌هایی که دونالد ترامپ در کارزار انتخاباتی رو کرد، موضوع مقابله با مهاجرین غیرقانونی و احداث دیوار در مرز مکزیک بود. ترامپ گفته بود که این بهترین و ساده‌ترین راه مقابله با ورود غیرقانونی مهاجرین به امریکاست. احداث دیوار مرزی و هزینه اجرای این پروژه به بحث‌های داغی در امریکا دامن زد. ترامپ درباره تامین هزینه این دیوار گفته بود: ما این

دیوار را ایجاد می‌کنیم و پول آن را از مکزیک می‌گیریم. رییس جمهور مکزیک بارها و از جمله ساعاتی پس از نخستین نشست خبری دونالد ترامپ اعلام کرد که مکزیک حاضر به تامین مالی یا مشارکت در احداث چنین دیواری نیست.

جان کلی، وزیر پیشنهادی ترامپ برای وزارت امنیت داخلی امریکا صراحتاً گفته است که به باور او مشکل مهاجرت غیرقانونی با ایجاد یک "مانع روانی" حل نخواهد شد. حال بسیاری از مفسران می‌پرسند، اگر چنین است، آیا احداث چنین دیواری اصولاً ضرورت دارد؟

یکی دیگر از وعده‌ها و شعارهای انتخاباتی دونالد ترامپ مربوط به مهاجرت و سفر مسلمانان به امریکا می‌شد. این شعار انتخاباتی باعث افزایش محبوبیت ترامپ در برخی از لایه‌های اجتماعی امریکا شد. ترامپ مدعی شده بود که سفر و مهاجرت مسلمانان به امریکا باعث افزایش خطر حملات تروریستی در این کشور می‌شود و از این رو، او بر آن است تا جلوی آن را بگیرد.

حال وزیر پیشنهادی او برای دادستانی کل امریکا، جف سشن موضعی کاملاً متفاوت با موضع و رویکرد ترامپ درباره سفر و مهاجرت مسلمانان به امریکا بیان کرده است. جف سشن در جلسه پرسش و پاسخ کنگره امریکا گفت: من به این موضوع که باید جلوی ورود مسلمانان به امریکا را گرفت نه باور دارم و نه از آن دفاع می‌کنم. همچنین بسیاری از پیروان دونالد ترامپ، مثل خود او بر این باورند که موضوع تغییرات جوی و آب و هوایی، صحت ندارد و نوعی خیال‌پردازی است. ترامپ بسیاری از توافق‌های مربوط به مقابله با تغییرات جوی را رد کرده و چنین توافق‌هایی را برای اقتصاد امریکا مضر خوانده است. او حتی گفته است که مایل به شرکت در چنین نشست‌ها و همایش‌هایی نیست.

اما وزیر پیشنهادی او برای وزارت خارجه امریکا، رکس تیلرسون گفته است: «اینکه امریکا در نشست‌های مربوط به تغییرات آب و هوایی شرکت کند، امر بسیار مهمی است.» تیلرسون افزوده که مقابله با خطر تغییرات جوی، موضوعی بین‌المللی است و یک همکاری جهانی را طلب می‌کند.

ترامپ در کارزار انتخاباتی خود بارها از شکنجه برای اعتراف‌گیری دفاع کرده بود. او گفته بود که "شکنجه موثر است" و قرار نیست که با افراد مظنون به فعالیت‌های تروریستی بنشینیم و گپ بزنییم، باید آن‌ها را وادار کنیم که حرف بزنند و شکنجه برای به حرف آوردن آن‌ها موثر است.

یکی از شیوه‌های شکنجه که مورد استفاده نهادهای امنیتی امریکا قرار می‌گرفته، "واتربردینگ" است که نوعی القای حس غرق شدن یا "غرق مصنوعی" است. باراک اوباما استفاده از این شیوه را منع کرده بود.

برخلاف نظر دونالد ترامپ، هم رییس آینده سازمان سیا، مایک پمپئو و هم کاندیدای پیشنهادی ترامپ برای وزارت دادگستری، جف سشن استفاده از شکنجه "غرق مصنوعی" را غیرقانونی خوانده و گفته‌اند که از چنین شیوه‌هایی استفاده نخواهند کرد.